

چکیده ای از زندگی و افکار
حلیل محمد قلی زاده (ملا نصر الدین)



ترجمه ی : بهزاد آبادی باویل



نشر تلاش

تبریز - سه راه شاه شماره ۳۴۲

زندگی و افکار جلیل محمد قلی زاده



تبریز : سه راه شاه شماره ۲۴۲ تلفن ۵۴۵۹۲

- جلیل محمد قلی زاده
- بهزاد آبادی باویل
- چاپ اول پائیز ۳۶
- چاپ افست خورشید
- تایپ و صحافی مهر
- حق چاپ محفوظ است

پیشگفتار

جلیل محمدقلی زاده - میرزا جلیل فرزند محمد قلی ، بنیان گذار
روزنامه ملا نصرالدین (۱۹۳۲ - ۱۸۶۹ م) در ولایت
نخجوان و در دهی به نام نهرم بدنیا آمد . پدران وی
اصلا ایرانی بودند : جدش حسینعلی بنا در اوایل قرن
نوزدهم میلادی از شهر خوی به نخجوان رفته و در آنجا
با دختری از همشهریان خود ازدواج کرده بود .
میرزا جلیل در شرح حالی که به قلم خود نوشته ،
از اینکه پدرانش ایرانی بوده اند ، با غرور و مباحثات زیاده
سخن می گوید : ” من در شهر نخجوان ، که در شرق فرسجی

شماره ثبت $\frac{۱۲۹/۵۱۱}{۳۶/۹/۲۱}$

رود ارس و چهل فرسخی قصبه جلفا واقع است ، به دنیا آمده ام . در اینجا کلمات ارس و جلفا را عمدتاً ذکر میکنم زیرا چنانکه معلوم است ، رود ارس در مرز ایران قرار گرفته و جلفا هم پاسگاه گمرک در میان ما و ایران است ، من با انتساب خود به این رود و این آبادی به دو سبب افتخار می‌کنم — نخست آنکه کشور ایران زادگاه جد من بوده و دوم آنکه سرزمین ایران ، که به دینداری درجهان نامبردار است ، همیشه برای من مایه سرافرازی بوده و از اینکه در همسایگی چنین مکان مقدسی از مادر زاده‌ام ، پیوسته شکرگزار بوده‌ام .”

میرزا جلیل خواندن و نوشتن زبانهای آذربایجانی، فارسی و روسی را در مکتب شهر فرا گرفت، در چهارده یا پانزده سالگی به دارالمعلمین شهرگوری (گرجستان) وارد شد و پس از فراغت از تحصیل ، سالها در مدارس محلی به آموزگاری پرداخت . در سال ۱۹۰۴ به تفلیس رفت و در روزنامه شرق روس، که مدیر آن محمد آقا شاه — تختی بود ، مشغول نویسندگی شد .

میرزا جلیل فعالیت ادبی خود را با نوشتن داستان های کوتاه آغاز کرد . در داستانهای اولیه خود از قبیل

صندوق پست ، احوال ده دانا باش و استاد زینال ، که پیشتر از سال ۱۹۰۴ نوشته ، صحنه های جالبی از معیشت و طرز زندگانی مسلمانان قفقاز تصویر کرده است . این آثار مشحون از حقایق تلخ و سرشار از زهر خند و استهزا هستند داستانهای آزادی در ایران ، بچه ریشو ، قربانعلی بیگ و کمدیهای مردگان ، کتاب مادرم و مجمع دیوانگان ، که بعد از نشر روزنامه ملا نصرالدین به قلم آورد ، از یادگارهای — هنری جاویدان اوست و به خصوص کمدی مردگان در شمار آثار کلاسیک جهان درآمده و با تارتوف مولیر و بازرس — گوگول برابری می‌کند .

دوران دوم و مهم نویسندگی محمد قلی زاده با نشر روزنامه ملا نصرالدین آغاز می‌شود . ملا نصرالدین یک ارگان دموکرات انقلابی بود که جمعی از روشنفکران و ترقیخواهان و ارباب فرهنگ و ادب را در پیرامون خود گرد آورده بود و همراه با مطبوعات دیگر افکار انقلابی را تبلیغ می‌کرد . با شاه ایران و سلطان عثمانی و امیر بخارا و اشراف واعیان و غارتگران دیگر پنجه می‌زد ، جهان استثمار و استعمار را با رسوم و قوانین ظالمانه آن ، به باد ریشخند و استهزا می‌گرفت و با تعصبات و خرافات مذهبی مبارزه می‌کرد و

به قول خود " زخمها را می شکافت " ، " تضادها را نشان می داد " و " پرده ها را بالا می زد " و خطاب به مردم — واپس مانده و عاجز و بی هنر می گفت :

" اگر شما آدم بودید ، اگر غیرت و شعور داشتید کدام ظالم جرئت می کرد که به حقوق انسانی شما دست دراز کند ؟

ملا نصرالدین از خوانندگان خود خواهش می کرد که سرمقاله ششستونی احمد بیگ را ، که برای رفع بیکاری در شماره ۲۹ روزنامه ارشاد نوشته شده است ، به دقت بخوانند :

" نمی دانم خلفای راشدین چنین شد و نبی السیف چنان ، تیمور و نادر و فلان و بهمان حالا فصل — تابستان است و موقع این حرفها نیست . آدم از گرما دارد هلاک می شود . حالا باید مطلب را کوتاه آورد . ببینید مثلا اینطور ، مختصر و مفید :

" چرا ما در دنیا خوار و ذلیل و زبون شدیم ، والسلام و شد تمام . دیگر در اینجا تاریخ و فلان به درد نمی خورد "

نویسنده سطور بالا به خوبی می دانست که اگر

نویسندگان بورژوا مسائل مهم اجتماعی را به يك سونهاده از تاریخ خلفا و تیمور و نادر سخن می گویند ، از ناشیگری یا ناتوانی نیست ، بلکه می خواهند به حيله و خدعه مردم را از مسائل جاری زندگی اجتماعی غافل سازند و با گذشته های تاریخ سرگرم کنند .

ملا نصرالدین آرزومند چنان سازمان اجتماعی بود که در آن " آقا و گدا و دارا و ندار از حیث حقوق و اختیارات یکسان باشند ، حکومتی بر سر کار آید که اصول آزادی را اعلام و به جای وضع قوانین شدید جزا و اعدام ، املاک و اراضی را بین کشاورزان و دهقانان تقسیم نماید و — کارگران و روستاییان را در امور دولتی دخالت بدهد و کارها را به طریق بحث و شور اداره نماید . "

مدیر روزنامه در ترجمه حالی که از خود نوشته گوید: " استبدادی که در برابر ما چون کوه سرکشیده بود استبداد شاه و سلطان و ظلم و زور کسانی بود که شریعت را تحریف کرده بودند . " و حربه و اسلحه ای که ملانصرالدین برای پیکار با چنان ظلم و استبداد وحشتناکی در دست داشت خنده بود — خنده پرمعنی و گوشه دار .

این روزنامه در همان شماره اول خود خطاب به

خوانندگان می‌گفت: "ای برادران مسلمان، هنگامی که سخن خنده داری از من شنیدید و دهن خود را به هوا باز کرده و چشمها را بر هم نهاده آنقدر قاه قاه خندیدید که از خنده روده‌بر شدید و به جای دستمال چشمها را با دامن خود پاک کرده و لعنت به شیطان گفتید... گمان نکنید که به ملا نصرالدین می‌خندید،... ای برادران مسلمان، اگر می‌خواهید بدانید که به که می‌خندید، آینه را در دستتان بگیرید و جمال مبارک خود را تماشا کنید..."

اما کسانی که چهره زشت خود را در آینه روشن این روزنامه می‌نگریستند، به جای آنکه متنبه شوند، برضد نویسندگان آن کمر بستند و دستگاه سانسور تزار و نیرو-

های سیاه فتودال به دست و پا افتاد.

با نشر هر شماره بر تعداد دشمنان و بدخواهان افزوده می‌شد و روحانیان در مساجد و منابر ناشرین و خوانندگان آن را لعن و تکفیر می‌کردند و آنان را دشمن اسلام می‌خواندند و حتی فروشندگان روزنامه را آزار می‌رسانیدند.

در آرشيو شخصی جلیل محمد قلی‌زاده، که در بایگانی دست‌نوشته‌های آکادمی علوم جمهوری‌آذربایجان

شوروی نگهداری شده، نامه شخص‌ناشناسی است از ده قاسم کندی پراز فحش و ناسزا و تهدید به قتل و خونریزی مدیر روزنامه، که به قول خود "چوب در لانه زنبور کرده بود"، ناچار شد که در محله‌گرچی نشین تغلیس، دور از تعرض مسلمانان، منزل‌گزیند. او در یادداشت‌های خود گوید:

"روزی که در یکی از شماره‌های سال دوم مقاله‌ای درباره آزادی زنان نوشتم، دوستان نصیحت کردند که در کوچه و بازار آفتابی نشوم، زیرا در "شیطان بازار" - دکانها را بسته و مردم دنبال من افتاده‌اند."

دوره تاریکی بود. تعصب و خرافات به جای دین و به نام دین بیداد می‌کرد. حتی طرز لباس پوشیدن، ریش‌داشتن، سر تراشیدن و ظرف شستن و اینکه ظرفها را چگونه و چند بار باید آب کشید، جزو مسائل مهم دینی قرار گرفته بود و ملا نصرالدین می‌بایستی، بی‌آنکه خشم عوام و در پشت سر آن خصومت حکومت تزار را برانگیزد، این‌گونه تعصبات را به تدریج براندازد و به جای آنها تخم فرهنگ و آزادی بپاشد!

با اینهمه ملا نصرالدین همیشه به آینده خوشبین و امیدوار بود و شعار "روشنایی در تاریکی" را هیچ وقت

۸ ————— زندگی و افکار جلیل محمد قلی زاده

از نظر دور نمی‌داشت. "ملا عمو" با آن سیمای نورانی پیوسته از گوشه و کنار — از پشت در ، از کنار پنجره و از آن سوی نرده و پرچین — ناظر حوادث بود . گاه می‌خندید و گاه غمگین و ملول بود ، وقتی در اندیشه فرو می‌رفت و زمانی دچار حیرت و تعجب می‌شد . اما همیشه به آینده روشن و نتایج کار و کوشش خود دلگرم و امیدوار بود .

در غالب شماره های ملا نصرالدین جهات مثبت جامعه و زندگی آزاد و آسوده و دنیایی آراسته با چمنهای سبز و خرم ، کوههای عظیم سر به فلک کشیده تصویر شده و خورشید فیاض و فروزان به خوانندگان لبخند می‌زند . از مزایای این روزنامه یکی آن بود که کاریکاتور — های زیبای آن به قلم عظیم عظیم زاده^۱ نقاش‌نامی و خلاق

* عظیم عظیم زاده (۱۹۴۳ - ۱۸۸۰ م) ، فرزند اصلان بنیان‌گذار نقاشی رئالیستی در آذربایجان شوروی است . وی از دوره انقلاب نخستین روس (۱۹۰۵ م) دست به نقاشی زد . در ساختن تابلوهای هزلی و آبرنگ استاد بود و بیش از پنجاه کاریکاتور برای « هوپ هوپ نامه » ی صابر کشید .

عظیم عظیم زاده ماهیت اشعار صابر را بخوبی درک میکرد و مضامین آنها را در نقاشی های زنده و هنرمندانه خود می‌پروراند و

زندگی و افکار جلیل محمد قلی زاده ————— ۹

تیپهای شرفی و دو کاریکاتوریست زبردست و هنرمند دیگر تهیه می‌شد و دیگر آنکه اشعار فکاهی و انتقادی آن را میرزا علی اکبر طاهر زاده صابر ، بزرگترین و هنرمندترین شاعر آذربایجان ، می‌سرود .

نقل از کتاب « از صبا تا نیما »

در حقیقت قلم موی نقاش ، کار خامة استاد را به حد کمال می‌رساند . عظیم عظیم زاده علاوه بر « ملا نصرالدین » ، در روزنامه های « طوطی » و « بابای امیر » و « مزلی » هم کار می‌کرد . از کارهای دیگر عظیم عظیم زاده نقاشیهای « صد نمونه از باکوی قدیم » و کاریکاتور « باغ وحش فاشیست » است .

چکیده‌ای از :

زندگی و افکار جلیل محمد قلی زاده

نوآوری ادبی جلیل محمد قلی زاده ، در تاریخ
ادبیات آذربایجان از آنگونه صفحات درخشانی است که،
نه تنها با گذشت سالها از کهنه شدن مصون خواهد ماند
بلکه همواره معنی تازه و اهمیت نوینی کسب خواهد کرد .
ج . م . قلی زاده نیز مانند نظامی ، فضولی و م . ف .
آخوندوف (میرزا فتحعلی آخوند زاده) در تاریخ ادبیات
آذربایجان مؤسس مکتب جدید و معلم یک نسل از نویسندگان
بعد از خود بوده است .
نویسنده ای که همواره در آثار خود ، آرزوها و -

خواسته های هموطنان خویش را منعکس نموده است.
شهرتت از مرزهای آذربایجان گذشته ، در سرزمین های دیگر ، ، خاصه مشرق زمین گسترش یافته است .
نوشته های نویسنده در نیم قرن فعالیت خویش همواره مانند زنجیرهای ناکسستی با افکار ملل شرق پیوند زندگی اجتماعی - سیاسی و مبارزات آنها را در راه رهایی و کسب آزادی ، در آثار خود منعکس کرده است .

ج . م . قلی زاده ، که در تاریخ پیشرفت فکری خلق آذربایجان و دیگر خلق های مشرق زمین مرحله تازه ای - گشوده است ، در دوم فوریه ۱۸۶۶ در یک خانواده کاسب در شهر نخجوان بدنیا آمد . نویسنده بعد از خاطرات خود محیط زادگاهش را چنین تصویر می کند :

” اول بار که چشم بسته خود را باز کردم دنیا را تاریخ دیدم ... هر صبح صدای مناجات پدرم بود که مرا از خواب شیرین می پراند ”

پدری که اسیر این محیط تاریخ بود ، جلیل خرد - سال را برای نخستین بار به ملاخانه فرستاد نصیب جلیل از این اقدام پدر ، مانند صدها و هزارها بچه دیگر آذربایجانی ، تمام روز را روی زانو نشستن ، یک مشت -

جملات فارسی و عربی را حفظ کردن و مورد غضب نابجا و احیاناً بجای ملای مدرس قرار گرفتن بود . ولی این وضع دیری نپائید ، پدر جلیل که همواره می خواست پسرش را در جرگه تحصیل کرده های شهر ببیند او را به یک مدرسه دوکلاسه روس ، و در سال ۱۸۸۲ به سمینار معلمان قفقاز واقع در شهر غوری گرجستان فرستاد .

پنج سال تحصیل در شهر غوری در تعلیم و تربیت و ظهور و بروز استعداد نویسندگی او نقش مهمی ایفا کرد . با وجود اینکه هدف معلمان موناخیست و ملایانی که درس شریعت می گفتند این بود که پیروان مطیع صرف برای - دنیای سرمایه داری بوجود بیاورند ، یا بندگانی تربیت کنند که فقط به امید سعادت دنیای دیگر زنده باشند با اینهمه فراگرفتن دروس علمی نتیجه معکوس میداد نویسنده خود به این موضوع اشاره کرده و در خاطرات - خود چنین می نویسد :

” هرچه مدرسین دارالمعلمین سعی داشتند که ما را خیال باف و متعصب ببار بیاورند . فرا گرفتن دروس جغرافیا و تاریخ طبیعی بهمان اندازه مانع کار به شمار می آمد . در یکی از دروس می خواندیم که خداوند عالم ،

دنیارا در شش روز خلق کرد و روز جمعه به استراحت — پرداخت و در درسی دیگر مثل تاریخ طبیعی معلم بیایمانات خود ناخود آگاه مارا نسبت به این موضوع به شك و شبهه می انداخت” .

بدین ترتیب شاگردان (سمیناریا) در اثر فراگرفتن علوم طبیعی که طبعاً بر ضد خرافات و موهومات بود ، منطقی و متفکر ببار آمده و با ادبیات روس و دیگر ممالک — دنیا که در پیشرفت فکری و جهان بینی عینی آنها نقش موثری داشتند ، آشنا می شدند .

در سال ۱۸۸۲ ج م قلی زاده سمیناریا را با تمام رساننده و برای امر تعلیم در روستای (اولو خانلی) در نزدیکی ایروان به روستای مذکور اعزام می شود . چندی بعد در مدرسه روستای (باش نوراشین) شروع به کار می کند .

تا سال ۱۸۹۰ در آنجا به امر تعلیم مشغول بود و در همانجا نخستین اثر خود را بنام (جای دستگاهی) که نمایشنامه ای منظوم و دلنشین است می نویسد .

در سال ۱۸۹۰ ج م قلی زاده بعنوان ناظر مکتب روستای (نهرم) واقع در نزدیکی نخجوان تعیین و —

اصولاً هشت سال از فعالیت پداگوژیکی دهساله وی در این روستا سپری می شود .

نویسنده نمایشنامه ای ” بازی کشمش ” و حکایت مشهور خود ماجرای ” قریه دانا باش ” را در این روستا می نویسد . در زندگی و فعالیت ج . م . قلی زاده تعلیم و تربیت ارزش و مقام خاصی را به خود اختصاص داده است و از — جمله معلمان فداکار خلق است که در اواخر قرن گذشته — فرهنگ و مدنیت را به روستاهای آذربایجان کشانده اند . از یاد داشتهها و خاطرات نوشته شده معلوم — می شود که معلم جوان در (نهرم) با فتنه و فساد ی ملا های جاهل و خرافه پرستان علیه مدرسه براه انداخته بودند مواجه می شود و در مقابل هجوم آنها به مبارزه — برخاسته و با تمام مشکلات موفق می شود مدرسه نمونه ای تشکیل دهد و بدین وسیله بتواند - در افکار مردمی که در اثر تبلیغات سوء ، به مدرسه به دیده يك پدیده شیطانی می نگریستند تأثیر بسزائی بگذارد .

بطوریکه موفق می شود گذشته از پسران روستا ، هشت نفر

از دختران محل را نیز به چنین مدرسه ای جلب کند .
در سال ۹۳-۱۸۹۲ برای آنها مسابقه درسی -
تشکیل داده بخاطر فعالیتهايش از طرف مدیریت مدارس
خلق مورد تقدیر و تشویق قرار می‌گیرد .
جلیل از صمیم قلب پیشه‌ی معلمی را دوست داشت
و همواره به شاگردانش بدیده‌ی يك پدر دلسوز و مهربان
نگاه می‌کرد . گواه این مدعی آنکه ، در خاطرات معلم
پیری که مدتی در روستای (نهرم) خدمت کرده چنین
می‌خوانیم :

”میرزا جلیل هر روز در حیاط مدرسه آب جوش
تهیه می‌کرد و بعد از شستن سر بچه های کچل با موجین
موهای مریض آنها را کشیده و بجایش مرهم می‌نهاد . او
برای بچه ها لوازم تحریر ، لباس ، کفش و شیرینی می‌خرید
آن زمان معلم جوان شرایط سخت کار در روستا را
بر روستائیان تشریح می‌کرد و در این راه از هیچ کوششی
فروگذار نبود .

از نوشته ها چنین برمی‌آید که ج . م . قلی زاده در
سال ۱۸۹۳ از شهر تفلیس يك خیش به (نهرم) می‌آورد
و اهالی نهرم چون بر مزیت های خیش واقف می‌شوند بنا

به صلاح دید معلم هفت خیش دیگر به روستا می‌آورند که
این اقدام زحمت کار ایشان را خیلی سبک می‌کند .
در مجموعه ی روسی ” شناخت سرزمین و مردم قفقاز
از دیدگاه مادی ” جلد بیست و هفتم بعنوان نمونه ای
از فعالیت های ج . م . قلی زاده چنین ذکر شده ” امکان
گسترش هر نوع فکر و اندیشه نو و سازنده در میان توده -
مردم آنگاه صورت تحقق می‌پذیرد که مردم خیر و نفع این
نوآوری را بطور عینی مشاهده نمایند .

این حقایق جالب نشانگر آنست که ج . م . قلی زاده
را نباید جزو آندسته معلمانی که در لاک شغلی خود فرو
می‌روند بحساب آورد چه او با شاگردان و مردم روستائی
که در آن جا تدریس می‌کرد درهم آمیخته و در امور اجتماعی
آنان مانند يك هموطن صادق مداخله می‌کرد .

در سال ۱۸۹۲ ج . م . قلی زاده از شغل معلمی
دست کشیده در دیگر ادارات دولتی شهر نخجوان و
ایروان مشغول بکار می‌شود و در زندگی اجتماعی و فعالیت
های ترقی خواهانه و روشنفکر ، که حس -
آزاد پخواهی داشتند فعالانه شرکت می‌کند . فعالیت
نویسنده در کار مطبوعات نیز مصادف با همین سالهاست ،

۲۰ ————— زندگی و افکار جلیل محمد قلی زاده

در سال ۱۹۰۱ نوشته های ارسالی وی از ایروان در دو روزنامه روسی زبان (قافقاز) و (قاسپی) درج می شود .
در این مقاله ها نویسنده ی جوان بعنوان مدافع حقوق زحمتکشان ، سخن رانده است .

در سال ۱۹۰۳ ج . م . قلی زاده را در پست سردبیری روزنامه ی (شرق روس) که بوسیله ی (محمد آقا شاه تختی) نویسنده و خادم اجتماع انتشار می یافت — می بینیم .

بنا بگفته ی خود وی از این زمان قدم در عالم مطبوعات می گذارد ، و حکایت های " صندوق پست " و — " بازی کشمش " بقلم وی بانضمام سایر نوشته هایش در روزنامه (شرق روس) منتشر شده و بعنوان يك نویسنده شهرت پیدا می کند .

در ژانویه ۱۹۰۵ بعد از تعطیل روزنامه ی (شرق روس) ، ج . م . قلی زاده به گروه نویسندگان مطبوعات روسی شهر تفلیس می پیوندد و در روزنامه های دموکراتیک " انتباه " و " ووزرا ژدنیه " بخش اسلامی با سمت مدیر ، شروع به فعالیت می کند و باتفاق نویسنده شرقی و خادم اجتماع عمر فائق نعمان زاده (۱۹۳۷ — ۱۸۷۲) —

زندگی و افکار جلیل محمد قلی زاده ————— ۲۱

چاپخانه ای بنام " غیرت " تأسیس و به نشر کتب و مقالات و انتشار آن در میان مردم اقدام می کنند .

در سال ۱۹۰۵ در ایامی که تزارسم برای خفه کردن جنبش های انقلابی در قفقاز دست به کشتار های دسته جمعی زده و برادر کشی براه انداخته بود ج . م . قلی زاده را در صف کسانی که علیه برادر کشی ها مبارزه برخاسته بودند می بینیم .

مقالات وی در آن موقع بنام های " محرومان " و " دعای خیر " که در مطبوعات انقلابی به چاپ رسیده نمایانگر این حقیقت است .

نویسنده در این آثار و در يك رشته از نوشته های بعدی خود ، بصورت طنز ، مخصوصا در نمایشنامه — " کمانچه " این کشتار های ملی را با دلی دردمند به قلم آورده و به خوبی نشان می دهد که این وقایع خونین چه لکه ی سیاهی در صفحات تاریخ هردو ملت برجای گذاشته است .^{۱۰}

در سال ۱۹۰۶ ج . م . قلی زاده در شهر تفلیس

* اشاره به جنگ خونین ارمنه و مسلمانان قفقاز .

شروع به نشر روزنامه "ملا نصرالدین" می‌کند که این اثر-
ادبی و سیاسی در زمره‌ی فعالیت‌های اجتماعی وی اهمیت
بخصوصی دارد .

مجله‌ی ملا نصرالدین در اصل ارگان مشترك —
نویسندگان دموکرات آذری به رهبری و مدیریت ج . م .
قلی زاده بود .

میرزا جلیل بخاطر درج طنزهای عمیق در مجله‌ی
"ملا نصرالدین" نه تنها در آذربایجان و قفقاز و روسیه
بلکه در خاور نزدیک و خاورمیانه و غرب نیز بعنوان —
ژورنالیستی بزرگ شهرت پیدا می‌کند .

میرزا جلیل علاوه بر اینکه در نویسندگی توانست با
نوآوری‌های خود سبک ادبی م . ف . آخوندوف را باخواسته
های زمان خود منطبق سازد و به مرحله‌ی تازه‌ای قدم —
نهد . در روزنامه نگاری نیز قادر شد مراحل تازه‌ای را
بدنبال "حسن بیگ زردابی" پی‌ریزی کند .

در یکی از خاطرات آمده که در اواخر سالهای بیست

* ژورنال به مفهوم لاتینی خود در آذربایجان نیز به مجله

گفته می‌شود .

در انجمن ادبی شهر باکو ج . م . قلی زاده در سخنرانی
خود این مفهوم را می‌رساند که :

"اگر از من بپرسند ، نوآوری‌های خود را بیشتر

می‌پسندی یا آثار ژورنالیست را ؟ می‌گویم آثار ژورنالیم را"

این نویسنده‌ی بزرگ در مدعای خود چندان مبالغه

نکرده زیرا او در این مجلات با جهان بینی عمیقی که داشته

مطالب خود را با طنزی نیشدار بیان می‌کند .

ادیب انساندوست برای بیدار کردن هموطنان خود

که در خواب جهالت فرو رفته اند در نوشته‌های خود از

تمام روشهای قاطع هجو و طنز استفاده می‌کند و بر نیرو —

های سیاه و ظلمانی خلق لعن و نفرین نثار می‌کند ، در —

مبارزه‌ی خود بزرگ و کوچک نمی‌شناسد و از کسی بیم و —

هراسی در دل راه نمی‌دهد و نیکلای را که انقلاب —

۱۹۰۵ را غرق در خون ساخته و هم‌چنین پادشاهان مستبد

شرق ، روحانیان مفتخور ، استثمارگران کاپیتالیست و زمین

داران را در طنزهای خود به شلاق انتقاد می‌بندد .

به خاطر هشدار دادن به طبقه زحمتکش ، گاهی

نمایندگان آنها را در دمنده به باد انتقاد می‌گیرد و چون

انتقاد های پوشیده و طنز آلود عطش‌وی را فرو نمی‌نشانند

گاهی مجبور می‌شود برخلاف سبک و شیوه خود ، مقصود خود را رك و بی پرده بیان کند . برای مثال در یکی از طنزهای روزنامه " ملانصرالدین " در سال ۱۹۰۶ چنین گفته شده است :

" ای خوانندگان محترم ، ای یاران همدم ، من این نوشته ها را برای آن نمی‌نویسم که بخوانید و دور بیندازید و از یاد فراموش کنید ، بلکه بخاطر آن می‌نویسم که بخوانید و بیندیشید . "

رویداد های مهم اجتماعی در اوایل عصر حاضر در آذربایجان ، قفقاز و همچنین ممالک شرق شعله های — انقلاب روسیه در ۱۹۰۵ ، مبارزات آزادی بخش در آذربایجان جنوبی ، انقلابات ایران و ترکیه و بیداری و مبارزات خلق — های عرب و هند در مقابل امپریالیسم استعمارگر . همگی در مجله ی " ملانصرالدین " درج شده و طنزهای جلیل محمد قلی زاده در این مجله روشنی بخش این حقایق بوده و خلق ها را به مبارزه در راه آزادی و استقلال دعوت — می‌کند .

مبارزه در راه تشکیل جمهوری دموکراتیک ، اساس — مرامنامه ی ج . م . قلی زاده را تشکیل می‌دهد . محتوای

سخنرانیهای وی در مجله ی " ملا نصرالدین " به انگسای این مرامنامه ، اصول اداری دولت وقت را با قاطعیت تمام به باد انتقاد می‌گیرد . و با نطق‌های انقلابی خود به خلق های محکوم و نیمه جان روحی تازه می‌دمد .

جلیل در سالهای پر فعالیت نویسندگی خود ، همگام با نوشته های بدیع ، داستانهای " قربانعلی بك " ، آزادی در ایران " ، " اوستا زینال " و " نگرانی " ! و — نمایشنامه های " مرده ها " و " کتاب مادرم " و دیگر آثار خود را نیز به رشته تحریر در می‌آورد .

در ژوئن ۱۹۲۰ ج . م . قلی زاده به تبریز پایتخت قدیمی آذربایجان کوچ کرده و در آنجا به کمک و مساعدت روشنفکران مترقی شهر نشر مجله ی " ملانصرالدین " را ادامه می‌دهد و نمایشنامه جاودانی " مرده ها " ^۲ را در تبریز به روی صحنه می‌آورد .

سکونت یکساله نویسنده بزرگ در تبریز از دوره های پر فعالیت وی محسوب و از پربارترین سالهای عمر او بشمار می‌آید .

* ترجمه کریم کشاورز .

* ترجمه هما ناطق و محمد پیفون .

بقتل رسیدن متفکر و انقلابی بزرگ "شیخ محمد خیابانی فعالیت های نافرجام وی برای تشکیل "آزادستان" که به فاجعه بزرگ قتل وی می انجامد ج. م. قلی زاده را سخت متأثر و رنجور می سازد .

در این روزهای سخت نویسنده خلق را برای ادامه مبارزه ، در راه آزادی ، با عزمی راسخ دعوت می کند . وی با سبک خاص خود در مجله چنین می نویسد :

" همه جا دود است ، در مجالس و منازل دود — دخانیات و مشروبات ، در کوچه ها دود حمام ، در معنویات دود موهومات و خرافات ، در روح و قلب دود کثافات! ... خلاصه ملت در میان دود ها دارد خفه می شود! در حال خفگی منتظر نجات است . از کی ؟

از هر شخص با وجدان ، از هر وطن پرست حقیقی از هر انسان دوست . ملت دارد خفه می شود ، دودها از هر طرف ملت را احاطه کرده ، اگر زود به فریادشان نرسیم ممکن است دیگر اثری از ملت بجا نماند . "عجله لازم است" ج . م . قلی زاده را در اواسط سال ۱۹۲۱ در باکو ، پایتخت جمهوری آذربایجان می بینیم نویسنده ای که تمام طول زندگی را با هدف های دموکراتیک به فعالیت

پرداخته ، در سالهای حکومت دموکراتیک نیز همچنان به فعالیتش ادامه می دهد و صفحات مجله ی "ملا نصرالدین" ، با تشکیلات و اسلوب تازه ای برای مبارزه با دشمنان داخلی و خارجی خلق ، مجهز می کند و نمایشنامه های "مکتب — قریه دانا باش" ، "مجمع دیوانه ها" و داستانهای "شاید برگردانند" و "تسبیح خان" ، "همسر کنسول" ، "بلبلهای شعرخوان" و چند اثر دیگر را خلق می کند .

در اواخر عمر ، میرزا جلیل ، کتاب "خاطرات من" را بعنوان نمونه ای کلاسیک برای خاطره نویسی در ادبیات آذری می نویسد .

ج . م . قلی زاده در چهاردهم ژانویه ۱۹۳۲ در — باکو وفات می کند . بیاس بزرگداشت و سپاس از خدمات ارزنده وی ، بیکره اش را در باکو نصب می کنند .

در جمهوری آذربایجان پاره ای از مدارس، کتابخانه ها ، خیابانها، کالجوزها و موسسه های اجتماعی بنام جلیل محمد قلی زاده نام گذاری می شود . آثار این نویسنده با تیراژهای بزرگ چاپ ، و به اغلب زبانهای دیگر خلق ها برگردانده می شود .

ج . م . قلی زاده در زمره ی نویسندگان و سخنوران جاودان آذربایجان و مشرق زمین و بطور کلی از نویسندگان بزرگ جهان بشمار می آید . مقام وی در تاریخ ادبیات جهان ، آنچنان اهمیت والائی دارد که ارزش یابی آثار وی برای محققان و منتقدان کار چندان آسانی نمی باشد .

همچنانکه گوگول ، چرنیشوفسکی و سالتیکوف شچدرین نقش بزرگی در بیداری ملت روس در برابر ظلم و فشار حکومت تزاری و استثمارگران ایفا کرده اند جلیل محمد قلیزاده نیز در بیداری و آگاهی خلق آذربایجان عامل موثری بشمار می رود و مانند نویسندگان بزرگ دنیا با آثار جاودانه خود در مغزها تحول و انقلاب پدید می آورد .

منطق وی بر افکار خلق حاکم بوده و در پیشرفت ادبیات عصر خود تلاش می کند و نویسندگانی به اسم " ملا نصرالدین چی ها " پرورش می دهد .

ج م قلی زاده مانند دیگر نویسندگان واقعی خلق درد و رنج مردم را با تمام وجود خود حس می کند یا بقولی " درد خلق ، درد وی است " .

متون آثار وی را ، دردها و مصیبت های مردم و علل اجتماعی این پدیده ها و ارشاد مردم بسوی تمدن و سعادت واقعی ، پر کرده است .

در سال ۱۹۱۷ بعد از حکومت سید ساله استبداد بیون کرکس صفت ، نویسنده خلق را چنین به مبارزه دعوت می کند :

" آه ای وطن از یاد رفته ، آه ای وطن بیچاره

دنیا بلرزه در می آید ، عالم دگرگون میشود ، افلاک با هم — در می آمیزند ، خلق ها از خواب غفلت چشم بر می گشایند و برادران دور افتاده شان را پیدا می کنند و خانه های ویران شده شان را از نو بنا می کنند . پس تو چکار می کنی ای وطن بیچاره ؟

آه ای وطن عزیزم آذربایجان چکار می کنی ؟

این درد وطن است ، این درد عمیق در دل نویسنده است که فکر و اندیشه وی را بخود مشغول داشته و او را — نویسنده ای آگاه و مسئول بیمار می آورد .

از همان موقع که نویسنده پا به دنیای ادبیات — می گذارد وضع فلاکت بار وطن خویش را دریافته و برای — رهائی وطن خود با عزمی راسخ شروع به نوشتن می کند .

ج م قلی زاده در نودمین سال قرن گذشته در

نخستین اثر سمبلیک بدیع ، هنری و پرمعنی خود "ماجرای قریه دانا باش" برای دل‌های نا آرامی که بخاطر وطن می‌تبد درد های وطن و واقعیات زندگی وحشتناک آنان را تصویر ، می‌کند .

نویسنده تصاویری که از زندگی وحشتناک و فاجعه آمیز مردم به روی صحنه می‌آورد بقدری طبیعی و باور کردنی است که نمی‌توان در باره هیچ کدام از آنها شك و تردیدی بدل راه داد و آنها را می‌توان بعنوان پاره ای از واقعیات زندگی به آسانی پذیرفت .

نوشته های بظاهر شوخ و با مزه نویسنده را که در واقع تاثیر انگیز و درد آور است ، نمی‌توانیم آرام و بی تفاوت بخوانیم ، چه اگر تبسمی هم بر لب‌هایمان نقش می‌بندد ضمن آن گاهی غمگین و گاهی نیز خشمگین می‌شویم و نسبت بکسانی که طبقه زحمتکش را نابود می‌کنند و به استثمار که پایمال کننده حقوق انسانهاست و سرانجام به عالم جهل و نادانی نفرت بی‌پایانی در دل‌هایمان احساس می‌کنیم .

نویسنده در اول داستان ، قریه دانا باش را با طنزی ظریف برای خواننده چنین تصویر می‌کند :

" بنظرم در تمام ولایات فقفاژ دهی با مزه تر از ده -

ما پیدا نمی‌شود ، من نمی‌گویم که بد است ، حاشا ! ... خدا نکند ، من هیچ گاه از حق نمی‌گذرم . این درست - است که من تا اندازه ای از ده خود رنجیده ام ، اما این مسئله بر بدی آن دلالت نمی‌کند که ؟ گیرم که دوستان نفر بی سرو پائی مثل من از دهمان برنجدند با این همه به ده ما ده بد نمی‌توان گفت " .

با وارد کردن اتهام کوچکی بر خود ، نویسنده به تصویر حوادث فجیع و تضادهای آشتی ناپذیر اجتماعی - ده با مزه - همراه با تمام دهشت هائی که در آن است آغاز می‌کند . و حادثه های توانفرسای را بظاهر مثل - ماجراهای عادی روزمره به قلم می‌آورد .

در عین حال که وی همه ی بی‌عدالتی‌های غیر قابل - تحمل خدایار بیگ را تصویر می‌کند خود را خونسرد و بی تفاوت نشان می‌دهد و گوئی ، در برابر این فجایع خدایار بیگ را هیچ مقصر نشناخته و به حاشیه می‌رود .

" حرفی نیست که ناظر بر این ماجراها ، خدایار بیگ را مقصر می‌شناسد : اما نه ، اینجا اصلا و قطعاً جای مذمت و نکوهش وجود ندارد ، اگر با انصاف قضاوت کنیم و از حق نگذریم باید خدایار بیگ را گناهکار نشمریم " . -

راست است که باعث همه ی این قیل و قال ها خدایار بیگ است . اما قصد خدایار بیگ نفاق انداختن در خانه مردم نیست . خدایار بیگ تنها يك هدف دارد آنهم گرفتن زینب است ، و گرنه این مرد نه به گریه زینب و فضا راضی است و نه درد دل گرفتن زینب را می خواهد .

خدایار بیگ عمدا الاغ عمو محمد حسن را نفروخت که وی از زیارت کربلا بماند ، نه خیر خدا نکند . خدایار بیگ با عمو محمد حسن دشمنی که نداشت . نه اینطور نیست .

خدایار بیگ الاغ را بدین سبب فروخت که برایش پنج شش منات پول لازم بود و این پول بخاطر آن لازم بود که وی يك کله قند و مقداری چای بخرد ، قند و چای هم بدان نظر بود که می بایستی به قاضی بدهد .

با وجود خونسردی و بی تفاوتی که در ظاهر نشان می دهد مؤلف تمام کثافات و تعفن های دنیای داخل و خارج — خدایار بیگ را برملا می کند :

قد خدایار بیگ بلند است ، خیلی هم بلند است ، رویش سیاه است ، خیلی هم سیاه است . چشمانش از آنهم سیاهتر ، چنانکه يك تکه سفیدی در چشمانش نیست .

بعضی وقت ها که خدایار بیگ کلاه پوستی اش را بر

سرش فرو می کند — کلاه سیاه — چشم سیاه — رو سیاه — از زیر کلاه چشمانش چنان می درخشند که بر اندام آدمی لرزه می افکند .

خدایار بیگ تنها از دید ظاهر خوفناک نیست ، مسئله سر این است که در دست خدایار بیگ يك دگنک است است هر وقت دلش می خواهد بلند می کند و هر وقت هم که می خواهد پائین می آورد .

در قریه دانا باش حرمت و ارزش این دگنک بزرگ ، — کمتر از پول نیست و آن قدرت و اختیاراتی که دگنک دارد — پول ندارد .

این تصویر ماهرانه که با قلم استاد نقاشی شده تنها پرتره خدایار بیگ نیست بلکه تصویر کدخدایان طبقه حاکم نیز هست که در روستاها سیادت و آقائی می کنند .

پرتره مؤلف با مهارت عالی و بدیع جهت تعمیم آن نقاشی — شده تا نشانگر دنیای ظلم و استثمار باشد و نفرت و کینه ی بی پایانی که مؤلف نسبت به آن در دل دارد بیان کند .

در تمامی آثار ج . م . قلی زاده این قدرت تعمیم بدیع و عالی وجود دارد که اغلب هر تصویری از وی قشری از — اجتماع را نمایش می دهد .

خرافات و موهوماتی که عمو محمد حسن ، نوکر با —
 صداقت اربابش را — در قریه دانا باش به روز سیاه نشانده
 و سرگذشت مضحك و درد مند نوروز علی در "صندوق پست"
 در آن زمان تصاویری است از وضع عمومی دهات مشرق زمین .
 فاجعه ای که برای زینب روی می دهد نمایانگر سرگذشت
 تمام زنان روستائی شرق است .

داستان اوستا زینال زحمت کش — در داستان "اوستا
 زینال" — با لباسهای دست دوم و نان بخور و نمیر ، و تپس
 و وا همهای که از نظر گذشتن از پل صراط دارد بیشتر به
 مجسمه‌ی جانداري شبیه است که نمی داند برای چی زنده —
 است ، سمبل تمام عیاری از افراد بیکار ممالک اسلامی شرق
 است .

انتقاد های بی پرده ، جمله پردازی ها و بکار بردن
 عبارتهای پردیده ، بخاطر تأثیر ظاهری و خلق تصاویر
 هنری ، در تمامی آثار ج . م . قلی زاده دیده می شود .
 موقع شرح حوادث وحشتناک زندگی ، تغییری در سبک
 نوشته اش نمی دهد و نفرت و رغبتش را ظاهر نمی کند و نتیجه —
 گیری از اثر بدیع خود را بعهده منطق خود خواننده واگذار

* گویند پلی است در دنیای آخرت که از موناژ کتر است!

می کند .

بدین طریق وی خواننده را آماده درك حقایق ، و —
 تشخیص خوب از بد و تمیز دادن دوست از دشمن می کند
 برای مثال در حکایت "قربانعلی بیگ" برای یک دفعه هم
 جمله‌ی (قربانعلی آدم بدی است) را افاده نمی کند و
 یا در هیچ جای حکایت گفته نمی شود (قربانعلی بیگ احمق
 است) . شکل ظاهری و دنیای درونی پوچ وی را با —
 خونسردی ، و ظاهری بی اعتنا تصویر می کند .

لاکن بعد از اینکه وی شخص مورد نظرش را بطور
 پوشیده تصویر کرد دیگر به توضیح و مداخله‌ی مستقیم احتیاجی
 نیست . چونکه قربانعلی بیگ خصلت های خود را با حرکات
 ناشایست و نمایشات نفرت انگیز نشان داده و خود را رسوا
 می کند .

تصویر بیطرفانه مؤلف ، خواننده را بر این موضوع واقف
 می کند که قربانعلی بیگ فطرتا آدم پستی است . و هم چنین
 خواننده این موضوع را نیز متوجه می شود که قربانعلی بیگ بدون
 علت ، پستی و حماقت از خود نشان نمی دهد بلکه بخاطر منافع
 شخصی خود است که از هیچ کاری ابا نمی کند او با پریستا و
 ناچالنيك بدان خاطر تا می کند که وقتی کار دیوانی داشته

* مأموران دیوانی و دولتی — کلانتر در اصطلاح روسی .

باشد هوای وی را داشته باشند "آخر آنهائیکه انگل وار -
زندگی سر می‌کنند همیشه گوش‌بزنک هستند" بطوریکه اینان -
برای مظلومان به ظالم بودن عادت کرده اند در مقابل بزرگتر
از خودشان نیز مطیع شدن عادتشان است .

اینان که هر لحظه از صمیمیت و صداقت دم می‌زنند در
زندگی‌شان هیچ مفهوم مقدسی را نمی‌شناسند بخاطر منافع
شخصی شان بهر نوع رذالت و پستی تن می‌دهند .

این است شمه ای از مفاهیم منطقی که خواننده از ازلای
انتقاد های پوشیده نویسنده بزرگنتیجه گیری می‌کند .

عظمت ج . م . قلی زاده بعنوان يك نویسنده در این
است که ما در آثارش مسائل كوچك و جزئی تك تك افراد را
بصورت انتقاد مشاهده نمی‌کنیم ، بلکه وی مسائل اجتماعی
مربوط به عموم خلق ، یا مرحله ای از تاریخ را با تمام وضوح
منعکس می‌سازد .

آثار برجسته وی ، همیشه بعنوان آثار خلق و مردم -
شناخته شده است . اگر نمایشنامه " کتاب مادرم " را ورق بزنیم
می‌بینیم وضعیت فلاکت باری که این عائله در آن گرفتارند تصویر
وضعیت تمام مردم آذربایجان است و می‌شود به کتاب مادرم"
کتاب آذربایجان اطلاق کرد .

اگر مؤلف در نمایشنامه " در گهواره بیگانه شیر خورد هایم "
در سیمای صمد و احد ها ، میرزا علی واحد ها و رستم بیگها
که بمانند دشمنان وطن و لمپن ها عمل کرده و خواسته اند ،
فرهنگ و مدنیتی را که خلق قرنها برای حفظ و پربار کردنش
مثل مردمك چشم از آن مواظبت کرده اند به نابودی بکشانند
جنايات بزرگی را نمایش می‌دهد . بهمان اندازه در سیمای
مادر و گل بهار و چوپانها چهره ی انسانهای نجیب و شریف
را ترسیم و تعمیم داده است .

در نمایشنامه " کتاب مادرم " زهرا بگیم مادر ، چهره
مثبت است نویسنده مظهر را بصورت مادر تصویر می‌کند .

میرزا ابراهیموف یکی از محققان برجسته آثار ج . م .

قلی زاده می‌نویسد :

در حقیقت مادر همان آذربایجان است ، که تحت -
تأثیر و تحقیر بیگانگان بصورتی ، از هم پاشیده و تقسیم شده ،
در آمده است . هیجانات و اضطرابات و خون دل‌های مادر
همان اضطرابات وطن است که حسرت آزادی در دل دارد
در تمام خواسته های پاك و صادق مادر ، آنجا که او هر چیزی
را صاف و موزون و خوش آرزو می‌کند چهره آذربایجان جان
می‌گیرد ."

در پرره يك خانواده ، تصویر يك خلق را نمایان ساختن و در سیمای يك شخص چهره وطن را جان بخشیدن . هنری بس بزرگ است . خلق اثری هنری مانند " کتاب مادرم " نیز از عهده سخنوری بزرگ ، هنرمندی خلاق و نویسنده ای پر قدرت چون ج . م . قلی زاده برمی آید .

انقلابی و نویسنده مشهور روس چرنیشوفسکی ، محقق — آثار بدیع ، در سخنرانی خود می گوید :

" اهمیت آثار بدیع تنها در نو بودن و ارزش و اعتبار آنها نیست بلکه بجهت تأثیری است که هر زمان در پیشرفت ادبیات و یا (به مراتب در درجه های بالاتر) در پیشرفت خلق اعمال می کند .

ج . م . قلی زاده با این آثارش در ترقی و پیشرفت — خلقی که با آنها زندگی می کرد و نیز در پیشبرد ادبیات راکد زمانش نقشی مؤثر ایفا کرده و نخستین مؤلف نو آور بشمار میرود که کمدی " مرده ها " بر این مدعی گواه روشن و درخشان — است .

تصادفی نیست در سال ۱۹۱۶ اولین بار که نمایش — مرده ها " در باکو به معرض نمایش گذارده شد مانند بمبی منفجر شود و مردم را در هر نقطه ای بحرکت در آورد .

نمایشنامه " مرده ها " در تاریخ ادبیات آذری و تأثیر آن زمان نقطه ی اوجی بشمار می رود و نویسندگان و خدمت گزاران فرهنگ و مدنیت ، خلق کمدی " مرده ها " را — در پیشرفت هنر دراماتیک آذری بعنوان واقعه بزرگ تاریخی تلقی می کنند و مؤلف آن را از صمیم قلب تحسین و تشویق — می نمایند . زیرا که ج . م . قلی زاده ، با نوشتن تأثیر — " مرده ها " پرده تیره و تاریک جهالت را که تمامی محیط — وطن وی را در آن زمان در برگرفته بود پاره کرده و با نشان دادن حقایق بدون پرده و عریان به یاری انسانهای زنده های که جهل و نادانی را به مرده های متحرک تبدیل کرده بود می شتابد و دیدگان نشان را به روی حقایق زندگی باز می کند و آنها را با سیر شدن با قوای خلاقه انسانیت ، تفکر و درک کردن و مثل انسان زندگی کردن ، آشنا می کند .

واضح تر بگوئیم افکار خلق زمان خود را برای پیشرفت و ترقی آماده و هدایت می کند . و بخاطر همین کوششهاست که — نمایشنامه " مرده ها " وی به جمع آثار مورد ستایش دراماتیک جهان می پیوندد .

در کمدی " مرده ها " تنها با موهومات و جهالت عصر خود مبارزه نمی کند بلکه بر آداب و رسوم مردم و روابط اجتماعی شان

و اخلاق و رفتار و سنتهای کهنه و فرسوده آنها نیز می‌تازد .
در کمدی " مرده ها " نویسنده ضربه کاری را بر پیکر —
شیخ نصرالله ، یعنی مظهر موهومات وارد می‌کند زیرا این
شیخ نصرالله ها است که مدتهای درازی خلق را کند ذهن ،
جامد و با هستی بی‌احساس بیار می‌آورد . از طرف خدا و
دین حکم می‌کند این " خرمقدسی " که انسانهای زحمتکش را
با وعده جنت و ترس از جهنم فریب می‌دهد و قدرت درک و
فهم آنان را گرفته و به زنده های مرده تبدیلشان می‌کند .

پرده جهالت و نادانی ها چشم های این مرده های
بظاهر زنده را چنان بسته است که از دیدن زیبایی های —
دنیائی که در آن زندگی می‌کنند بکلی محروم هستند که حتی
اعمال قبیح و نادرستی را که در اطرافشان بوقوع می‌پیوند د
از قوانین حیات می‌پندارند و به رفتارهای زشتی که از طرف
بعضی ها در باره آنان اعمال میشود خواست طبیعت اطلاق
می‌کنند .

بهمین خاطر مولف " مرده ها " به این نتیجه منطقی
دست می‌یازد :

" تا موقعیکه شیخ نصرالله ها از صحنه حیات مردم کنار
نرفته اند زنده شدن مرده های جاندار ممکن نیست .

تا موقعیکه ماسک و روپوش شیخ نصرالله ها پاره نشده --
توده بی فرهنگ ، به حقوق انسانی خویش آشنا نشده و اهمیت
آنها درک نخواهند کرد . بهمین علت نویسنده در انتقاد های
خود ضربه های کاری را بر پیکر شیخ نصرالله ها فرود می‌آورد --
و ماسک چهره های آنان را با مهارت تمام کنار می‌زند و معلوم
می‌کند این " مقدس " نمایان بی سرو پا و انگل صفت برای --
مخفی کردن قیافه کربه اعمال خود در پشت پرده دین و مذهب
پنهان شده اند .

میرزا جلیل تنها پاره کردن پرده موهومات و جهالت
را برای بیداری توده زمان خود کافی نمی‌داند و نابرابری های
اجتماعی را که به تضاد های درونی جامعه منجر می‌شود برملا
می‌سازد و در معرض دید خلق می‌گذارد . مثلاً در پرده اول
کمدی " مرده ها " معلوم می‌شود که مردم عوام شهر بیصرانه
منتظر زنده شدن مرده هاشان هستند ، پس از انتظار —
فراوان ساعت موعود فرا می‌رسد لکن هیچ کس به زنده شدن
مرده اش راضی نیست . چرا ؟ برای اینکه زنده ها به مرده ها
خیانت کرده اند و ترس از آن دارند که مرده ها بعد از زنده
شدن با آنها تسویه حساب کنند . این خیانت ها بدین --
علت صورت پذیرفته است که رواج موهومات و خرافات از جانب

استثمارگران حاکم بر جمعیت ، حسن نفع شخصی را در آنان برد یگر حس هایشان غلبه داده است . در این حالت دیگر خیانت برادر به برادر ، شوهر به زن ، همسایه به همسایه و دوست به دوست امری عادی تلقی نمود .
اعضای این گروه جمع بخاطر نفع شخصی شان به همه چیز پشت پا می زنند . در این راه بسادگی قید دین و مذهبی را که بدان مومن و معتقد بوده اند بسادگی می زنند و در صورت لزوم آنها را نیز انکار می کنند .
با وجود اینکه کمدی "مردم ها" در انتقاد از فساد و افشاء حقایق بی پرده و در ترمیم ترسیم مناظر بوسیله مؤلف بطرز وحشتناک اقدام می کند ولی در مقابل انسان ها اعتقادی درست می آورد می آفریند .

در پایان اثر اسکندر دختران معصوم حرمسرای -
شیخ نصرالله را بر پدران جاهل آنها نشان داده می گوید
نگاه کنید نگاه کنید خوب هم نگاه کنید . با
دقت بنگرید در کتاب تاریخ شما این صفحه ی خونینی
است .

آیندگان این کتاب را ورق زده با دیدن این صفحه بیادشما
می افتند و می گویند . " تف بر روی شماها"
پس به این ترتیب :

اسکنند را باور کرده که زندگی بدینسان نمی ماند ، روشنائی
بر تاریکی و فرهنگ و مدنیت بر جهالت غلبه می کند ، -
نسل های آینده به راه پدرانشان نمی روند ، آنان از
زیر پنجه های جهالت و موهومات رهائی می یابند و حقوق
انسانی خویش را درک می کنند . بدین ترتیب مولف نمایش
نامه "مردم ها" اثر خود را برای نوید آینده ای روشن -
برای هموطنانش خلق نموده است .

پستی جمعیت مردم ها را ، ج . م . قلی زاده در
کمدی "مجمع دیوانه ها" به رشته تحریر در می آورد . در
این اثر نیز انتقاد ها و افشاء حقایق بسیار تند و بی پرده
است .

در کمدی "مجمع دیوانه ها" نیز مانند نمایشنامه
"مردم ها" جهالت و موهومات و نفع شخصی که گریبانگیر -
مردم است در این اثر که انسانها از جهت معنوی شکست
خورده و مأیوس اند به چنان وضع فلاکت باری دچارند که
نمی شود در بین مردم ، دیوانه هارا از مردم عاقل تمیز
داد چنانکه در پایان کمدی "مردم ها" ، اسکندر جمعیت
را با لفظ مردم صدا می کند ، بهمین ترتیب در "مجمع
دیوانه ها" دکتر لالیبوز جمعیت را دیوانه خطاب می کند

پس با اعتبار تمام میتوان گفت این دو اثر مکمل یکدیگرند .
ج . م . قلی زاده که مدت زمان درازی پیشه ی
معلمی داشت ، در آثار بدیع و نوآوری های خود مکتب
خانه و اثر تعلیم و تربیت را از یاد نمی برد اول بصورت
حکایت و بعد بصورت طنز ، کمدی " مکتب قریه دانا باش"
را که تصویر مکتبخانه کهنه ای است ترسیم می کند در این
اثر از سیاست فرهنگی تزارسیم ، خود مکتب خانه و —
مانعت پدران از فرستادن بچه ها به مکتب خانه و قائم
کردن آنها پشت تپاله ها ، انتقاد های تند و بی پرد ه
ای شده است . در کمدی مؤلف سیاست فرهنگی حکومت—
را بدین علتبه یاد انتقاد می گیرد که این سیاست بطور
جدی با سواد آموزی و اشاعه مردم در بین ملتیهایی که در
اقلیت بودند موافقت نداشت و ببار آوردن يك یا دو مترجم
از این اقلیت ها که بتوانند با مأمورهای دولتی مذاکره
و گفتگو کنند خواسته های حکومت را ارضا می کرد .

مؤلف در کمدی " مکتب قریه دانا باش" تمثال معلم
حسنوف را بدین علت تصویر می کند که وی در دهی که بکار
مشغول است زندگی دهاتی ها ، و درد ها ، آرزوها
و خواسته های آنها را درك نمی کند و همین سبب می —

شود که در تشریح اهمیت مکتب برای روستائیان به دلایل
مسخره ای دست می یازد .

کمدی " مکتب قریه دانا باش" تنها يك اثر بدیع—
نیست بلکه بمانند يك سند تاریخی نمایانگر سیاست —
فرهنگی تزارسیم ، در تشکیل مکتب های نخستین و فعالیت
های ضعیف و موفق قشر روشنفکر در جهت تعلیم و —
تربیت می باشد .

ماجراهای پند آمیز کمدی تنها زاده تخیلات —
نویسنده نیست بلکه در آن زمان تجسم ماجراهای حقیقی
است که وی بطور عینی شاهد آنها بوده است .

ج . م . قلی زاده معتقد است که " هدف مقدس
قلم را در راه خوشبختی خلق و خدمت کردن به آنها است
و نویسنده بزرگ در حیات اجتماعی از روزی که به عالم —
نویسندگی قدم می گذارد در این راه قلم فرسایی می کند
و در راه خوشبختی خلق خود با قدرتی بی پایان و —
اراده ای خلل ناپذیر پیش می رود و به فعالیت می پردازد
نوآوری ادبی و مبارزات جالب ج . م . قلی زاده در —
زندگی دادن و حقیقت بخشیدن به هدف مقدس قلم یکی
از زیبا ترین نمونه هاست .

آذربجانان آذربایجان

مهدی اکبری حامد

این کتاب تحقیقی ارزنده از زندگی و افکار بزرگان آذربایجان از صدر مشروطیت تا زمان حال می‌باشد که به قلم سلیس و روان آقای اکبری حامد تهیه و تدوین گردیده است.

اقتصاد جهان در سه قرن اخیر

رسول عنایت

رسول عنایت با نهایت سعی و کوشش و یاری جستن از منابع و مآخذ دست اول علمی توانسته است با قدرت تمام مسائل اقتصادی جهان را مورد بررسی و تحقیق قرار دهد انتشار این کتاب تا حدی خواهد توانست خلأ ناشی از کمبود چنین کتابهایی را پر کند.

اکنون نوبت آسیاست

محمد حسنین هیکل

جعفر حقیقی

چند سال قبل جلد اول کتاب میعاد با خورشید نوشته محمد حسنین هیکل به اهتمام انتشارات امیرکبیر منتشر شد و اینک نشر تلاش مفتخر است که جلد دوم کتاب

میعاد با خورشید را تحت عنوان "اکنون نوبت آسیاست"

با ترجمه ارزنده جعفر حقیقی منتشر می‌نماید.

این کتاب نکته‌های باریکی از واقعیت‌های عصر-

مارا با قاطعیت تمام نشان می‌دهد.

اصطلاحات اقتصادی

تهیه و تدوین م. محمدی

این کتاب اصطلاحات متداول اقتصادی جهان را

در بر می‌گیرد و مطالعه آن برای عموم لازمست.

شناخت بیماریهای روانی

فریید و دیگران

ترجمه و تألیف م. پویا

بیماریهای روانی یکی از مسائلی است که امروزه اکثر

جوامع در اثر شرایط غیر انسانی کار و روابط اجتماعی

نامطلوب با مساله بیماریهای روانی سردرگریانند.

مطالعه این کتاب که با مضامین دقیق علمی مورد

بررسی و تحلیل قرار گرفته است، به عموم مردم توصیه

می‌شود.

روانشناسی پاولف

بکوشش م . پویا

تمام موازین و اصول روانشناسی پاولف را بطور ساده و روان تصویر می‌نماید . مطالعه این کتاب را به تمام دانشجویان روانشناسی و سایر علاقمندان توصیه می‌نمائیم .

بررسی مسائل جنسی از جنبه‌های اجتماعی و روانی

در کشورهای در حال توسعه

دکتر م . محقق

م . محقق با شناختی دقیق و کنجکاوانه مسائل جنسی را از دیدگاه‌های مختلف مورد بررسی قرار داده و یکی از مسائل حاد اجتماعی جهان ما را صادقانه مورد تجزیه و تحلیل قرار می‌دهد . کتابی که بطور یقین باب طبع شما خواهد بود .

مردیکه خودش را چیزی حساب می‌کرد !

تقی کاغذچی

کتابی که بطور یقین باب طبع شما خواهد بود .



عاقبت فاشیسم (طرح از عظیم عظیم زاده)

۱۳۵۱

مِلّٰلِیْهِ الدِّیْنِ

قسطی ۱۳ نوبت



«Молла Насролла» журналынын биринчи нөмрасинин үз сәһифеси («Молла Насролла» журналы, 1906. № 1).

ملیحای شرق دە حال بیدار شدن هستند

صنوا اول شماره نختت ملاءالدین، ۱۹۰۶

ملائقہ الدین

تومور ۱۴ ہجری شمسی - ۱۵ ہیک MOLLA-NƏSRƏDDIN 15 kəpə 14 №

ترك سلاح قونفر استندا



Тариклаш конференцияда. «Молла Насреддин», 1928.

دکنفرانس آتش بس، ملا نصرالدین ۱۹۲۸،



Инкилдара во Индиястан («Молла Насреддин» журналы, 1909, 23 август, № 34).

تاریخچه روابط انگلیس و هندوستان در ۴ صفحه شماره ۲۳-۲۴ اوت ۱۹۰۹،

ملا نصر الدین

№ 46. 1909. МОЛЛА НАСРЕДИНЪ



Л. Н. Толстой. («Молла Насрадин» журналы, 1909, № 46).

ل. ن. تولستوی (ملا نصر الدین شماره 46 سال 1909)

ملا نصر الدین

قیمی 12 نیکه ۴۴ آوریل 1906



Нияз мана дѳурснмз? («Молла Насрадин» журналы, 1906, № 4).

چرامی نسید شماره 4 ملا نصر الدین سال 1906



Дыдацанос асчачыты. *А. Сафаров*
 Цяршчы аср. Гагызлаа буржуаіа («Молла Насреддін» журналі, 1906, № 9)

حریت و قفقاز، ملانصرالدین شماره ۳ سال ۱۹۰۶



Кубка чачыцкіх ахторш («Молла Насреддін», 1905)

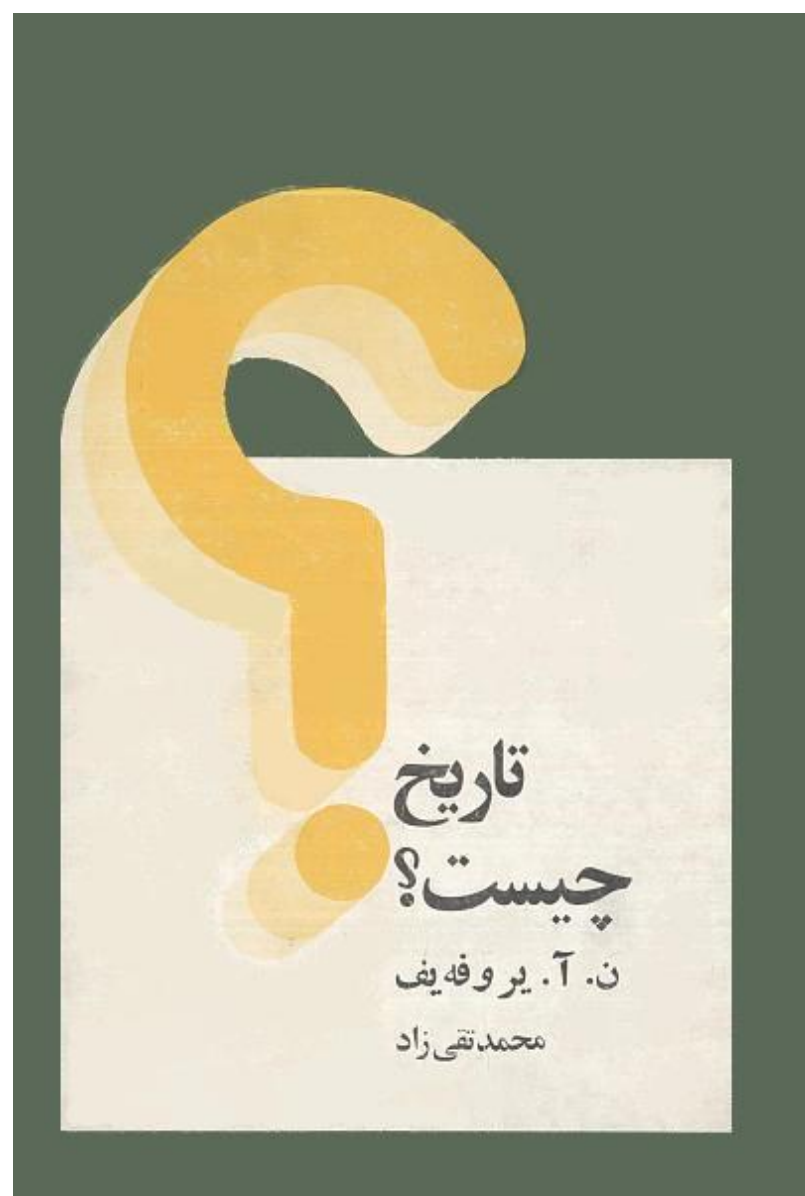
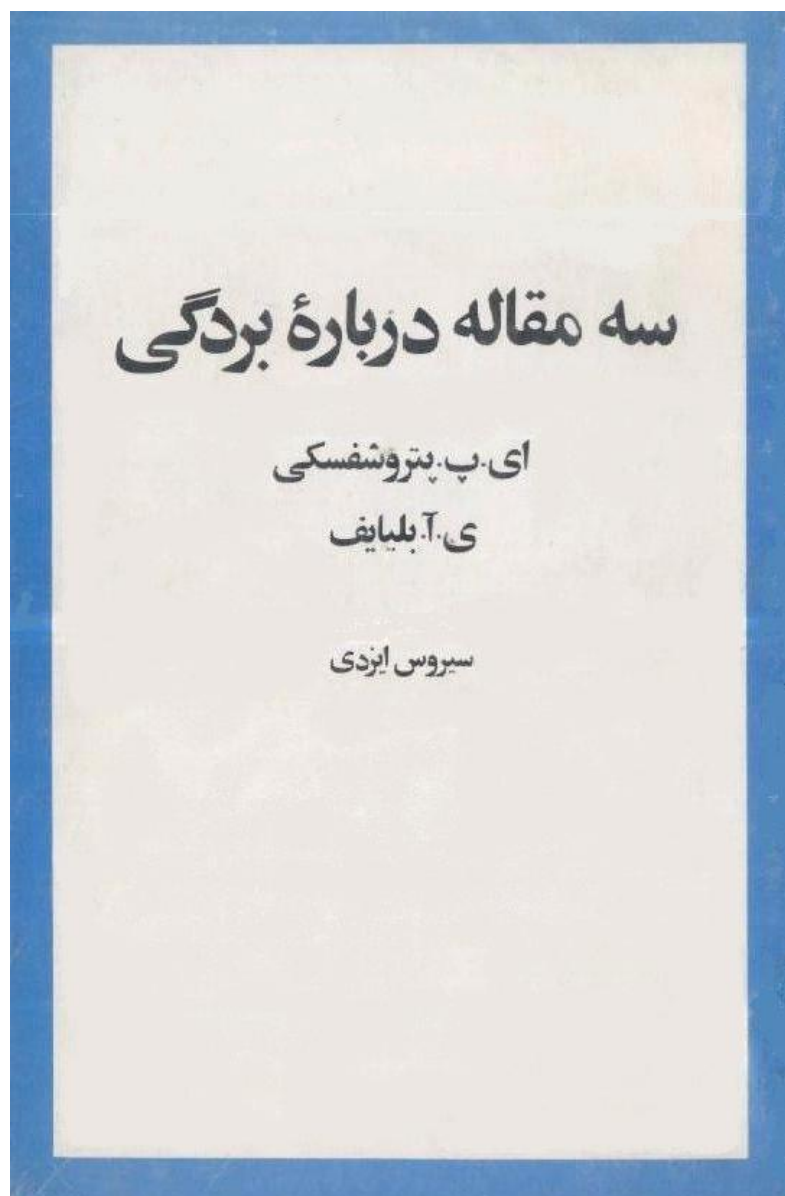
تیب های جامه قبلی، ملانصرالدین ۱۹۲۸



«Геґрат» матбасчында ахторш («Молла Насреддін» журналі, 1906, № 39)

بازرسی چاپخانه، غیرت، ازسوی ناموران تزار، شماره ۳۹ سال ۱۹۰۶

منتشر شد:



اجمالی
از
تحقیق ا. ح. آریان پور

درباره ی

جامعه شناسی هنر

انجمن کتاب دانشجویان
دانشکده هنرهای زیبا- دانشگاه تهران
تهران، فرودین ۱۳۵۴
نشر سوم



زمینه جامعه شناسی



اقتباس ا. ح. آریان پور

معرفی کتاب‌های منتشر شده توسط انتشارات حزب توده ایران

توجه: این فهرست تنها بخشی از کتاب‌های موجود حزب توده ایران را در بر می‌گیرد که برای تهیه علاقه‌مندان عرضه می‌شود. آن دسته از آثار که تعداد بسیار معدودی را در برمی‌گیرند، با عنوان "نایاب" مشخص شده‌اند.

برای تهیه این کتاب‌ها می‌توانید با آدرس زیر مکاتبه کنید:

Germany Postfach 100644, 10566 Berlin

آثار و انتشارات جدید حزب توده ایران:

نویسنده	عنوان کتاب	۰
	کتاب شهیدان توده ای (جلد دوم)	۱
	مجموعه اسناد پنجمین کنگره حزب توده ایران- "کنگره ارانی"	۲
	ویژه نامه "دنیا" به مناسبت صدمین سال‌گرد تولد دکتر تقی ارانی	۳
احسان طبری	ابوالفضل بیهقی و جامعه غزنوی (اثر منتشر نشده)	۴
حیدر مهرگان	انقلاب ناتمام: (اثر منتشر نشده)	۵
فریدریش انگلس	لودویگ فویرباخ و پایان فلسفه کلاسیک آلمان	۶
	درباره علل و پیامدهای فروپاشی حاکمیت سوسیالیستی در اتحاد شوروی و...	۷
	حزب توده ایران و جنبش کارگری	۸
احسان طبری	گزیده ای از آثار احسان طبری	۹
	حزب توده ایران و مارکسیسم - لنینیسم	۱۰
	همگام با پیکار دلیرانه زنان	۱۱
احسان طبری	با پچپچه پاییز (نثر شاعرانه در چهارده بند)	۱۲
	پا به پای دانشجویان در سنگرهای پیکار	۱۳
	اسناد چهارمین کنگره حزب توده ایران	۱۴

۱۵	تاملی بر کارنامه توده ای ستیز نشریه "راه توده"		
۱۶	مسایلی از فرهنگ و هنر و زبان	احسان طبری	
۱۷	از میان ریگ‌ها و الماس‌ها (ترانه‌های خوابگونه)	احسان طبری	
۱۸	ترانه های رزم و انقلاب (مجموعه سرودها)		

آثار کلاسیک مارکسیسم – لنینسیم:

۱۹	سرمایه (کاپیتال): جلد اول	کارل مارکس	
۲۰	سرمایه (کاپیتال): جلد دوم	کارل مارکس	
۲۱	سرمایه (کاپیتال): جلد سوم	کارل مارکس	
۲۲	دوره سه جلدی سرمایه (کاپیتال)	کارل مارکس	
۲۳	لودویگ فویرباخ و پایان فلسفه کلاسیک آلمان	فریدریش انگلس	
۲۴	مانیفست حزب کمونیست (ترجمه جدید)	کارل مارکس- فریدریش انگلس	
۲۵	درباره انقلاب اجتماعی	مارکس، انگلس و لنین	
۲۶	آثار منتخب و .ای. لنین: جلد اول (قسمت اول)	و. ای. لنین	
۲۷	آثار منتخب و .ای. لنین: جلد اول (قسمت دوم)	و. ای. لنین	
۲۸	آثار منتخب و .ای. لنین: جلد دوم (قسمت اول)	و. ای. لنین	
۲۹	آثار منتخب و .ای. لنین: جلد دوم (قسمت دوم)	و. ای. لنین	
۳۰	دوره کامل آثار منتخب لنین: (چهار جلد)	و. ای. لنین	
۳۱	امپریالیسم: بالاترین مرحله سرمایه‌داری	و. ای. لنین	
۳۲	بیماری کودکی چپ‌گرایی در کمونیسم	و. ای. لنین	
۳۳	هجدهم برومر لویی بناپارت	کارل مارکس	
۳۴	چه باید کرد؟ مسایل حاد جنبش ما)	و. ای. لنین	
۳۵	درباره حزب پرولتری طراز نوین	و. ای. لنین	
۳۶	درباره حق ملل در تعیین سرنوشت خویش	و. ای. لنین	
۳۷	درباره همزیستی مسالمت آمیز	و. ای. لنین	
۳۸	دو تاکتیک سوسیال دموکراسی در انقلاب دموکراتیک	و. ای. لنین	
۳۹	دولت و انقلاب: آموزش مارکسیسم درباره دولت و وظایف پرولتاریا در انقلاب	و. ای. لنین	
۴۰	سه مقاله از لنین	و. ای. لنین	

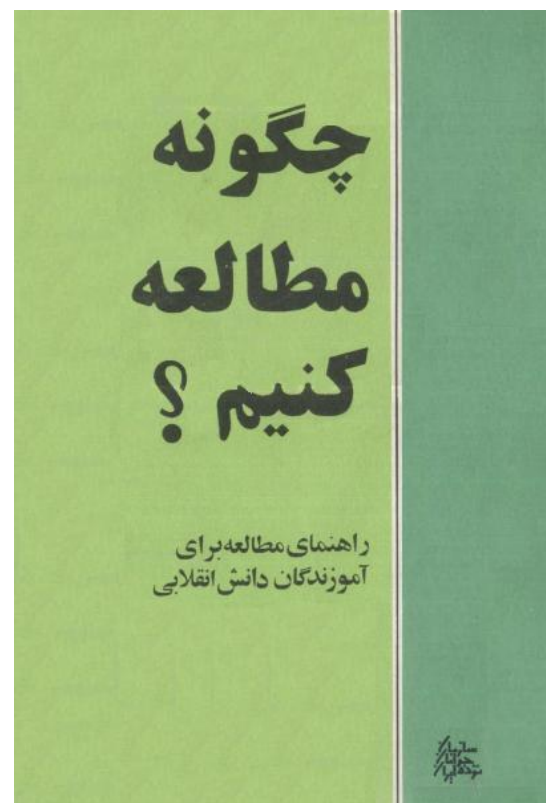
		و. ای. لنین	کارل مارکس) زندگی‌نامه کوتاه با فشرده‌ای از مارکسیسم)	۴۱
		و. ای. لنین	ماجرای انقلابی	۴۲
		گ. اوبیچیکین	زندگی و آموزش لنین	۴۳
آثاری از تئوری و پراتیک سوسیالیسم علمی:				
		امیر نیک‌آیین	واژه‌نامه سیاسی-اجتماعی	۴۴
		امیر نیک‌آیین	ماتریالیسم دیالکتیک	۴۵
		امیر نیک‌آیین	ماتریالیسم تاریخی	۴۶
		احسان طبری	بنیاد آموزش انقلابی (درس‌نامه)	۴۷
		آفانسیف و	اصول فلسفه مارکسیسم	۴۸
			میانی سوسیالیسم علمی	۴۹
		اولیانفسکسی	مسائل معاصر آسیا و آفریقا	۵۰
		بروتنتس	انقلاب‌های رهایی بخش دوران معاصر	۵۱
		ف. م. جوانشیر	اقتصاد سیاسی) شیوه تولید سرمایه‌داری)	۵۲
		گ. بلوف	دولت یعنی چه؟) الفبای معلومات اجتماعی و سیاسی)	۵۳
		ی. بوگایف	حزب یعنی چه؟) الفبای معلومات اجتماعی و سیاسی)	۵۴
			تاریخ حزب کمونیست اتحاد شوروی	۵۵
			صفحاتی از تاریخ جنبش جهانی کارگری و کمونیستی (درس‌نامه)	۵۶
		آناتولی بوتنکو	تئوری و پراتیک سوسیالیسم علمی	۵۷
		ای. خیلیایچ	زمینه تاریخ فلسفه	۵۸
		ن. ا. سیمونیا	سرنوشت سرمایه‌داری در خاور	۵۹
		وادیم زاگلادین	لنین و پیشرفت اجتماعی	۶۰
		یوگنی دولگوپولف	ارتش و دگرگونی‌های اجتماعی	۶۱
		اوگین کوشنیکف و...	سوسیالیسم: از روایت تا واقعیت	۶۲
		کامینسکی	انتقادی بر فلسفه تاریخ آرنولد توین بی	۶۳
		گ. آ. کازلف	اقتصاد سیاسی: امپریالیسم (درس‌نامه)	۶۴
		احسان طبری	الفبای مبارزه	۶۵
		گس‌هال	قدرت ایدئولوژی	۶۶
نیایب		دکتر تقی‌ارانی	عرفان و اصول مادی	۶۷

آثار مربوط به تاریخ و حیات حزب توده ایران:

۶۸	پیرامون برخی مسایل اجتماعی، اقتصادی و سیاسی ایران		
۶۹	بیاموزیم، تبلیغ کنیم و سازمان دهیم		
۷۰	بازهم مفتریان		
۷۱	چریک‌های فدایی خلق چه می‌گویند	ف. م. جوانشیر	
۷۲	تئوری "تبلیغ مسلحانه" انحراف از مارکسیسم-لنینیسم	تورج حیدری بیگوند	
۷۳	سالنامه توده		
۷۴	چهل و پنج سال پیکار خستگی ناپذیر در راه سازماندهی و رهایی دهقانان		
۷۵	چهل سال در سنگر مبارزه		
۷۶	چرا امپریالیسم و ارتجاع از حزب توده ایران وحشت دارد؟		
۷۷	توده‌ای‌ها در دادگاه نظامی		
۷۸	تئوری‌های گمراهی و گمراهی‌های تئوریک	نایاب	
۷۹	شهیدان توده‌ای		
۸۰	سیمای مردمی حزب توده ایران	ف. م. جوانشیر	
۸۱	ما و وازدگان سیاسی		
۸۲	آخرین دفاع خسرو روزبه در دادگاه ظامی		
۸۳	هنوز مشی چریکی جدا از توده	حیدر مهرگان	
۸۴	واژه‌نامه ویژه برنامه حزب توده ایران		
۸۵	مروری بر رویدادهای کارگری		
۸۶	طرح‌های پیش‌نهادی حزب توده ایران درباره دگرگونی و نوسازی جامعه ایران		
۸۷	اسناد و دیدگاه‌ها (حزب توده ایران از آغاز پیدایی تا انقلاب بهمن)		
۸۸	اسناد و اعلامیه‌های حزب توده ایران (در بجهوجه انقلاب)		
۸۹	اسناد هفدهمین پلنوم کمیته مرکزی حزب توده ایران		
۹۰	اسناد پلنوم هیده کمیته مرکزی حزب توده ایران		
۹۱	اسناد کنفرانس ملی		
۹۲	مجموعه اسناد پنجمین کنگره حزب توده ایران- "کنگره ارانی"		
۹۳	اسناد چهارمین کنگره حزب توده ایران		

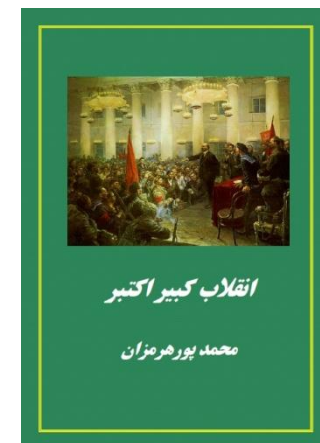
			اسناد سومین کنگره حزب توده ایران	۹۴
کتاب‌های اقتصادی، اجتماعی، فلسفی و تاریخی:				
		احسان طبری	برخی بررسی‌ها درباره جهان‌بینی‌ها و جنبش‌های اجتماعی در ایران	۹۵
		احسان طبری	فروپاشی نظام سنتی و زایش سرمایه‌داری در ایران	۹۶
		احسان طبری	جامعه ایران در دوران رضا شاه	۹۷
		دکتر تقی ارانی	آخرین دفاع دکتر تقی ارانی در دادگاه جنایی تهران	۹۸
			انقلاب اکتبر و ایران	۹۹
		خ. آتایف	جنبش‌رهاییی بخش ترکمن‌های ایران	۱۰۰
		عبدالحسین آگاهی	پیدایش و رشد جنبش کارگری و کمونیستی در ایران	۱۰۱
		م. س. ایوانف	تاریخ نوین ایران	۱۰۲
		گریگوری بوندارفسکی	تاریخ توسعه طلبی آمریکا در ایران	۱۰۳
			دوستان و دشمنان میهن انقلابی ما	۱۰۴
			سرنوشت انقلاب در گرو نظام اجتماعی و اقتصادی	۱۰۵
		جعفر جاویدفر	نظری به سیر انقلاب در کشور ما	۱۰۶
		ف. م. جوانشیر	تجربه ۲۸ مرداد	۱۰۷
		سولماز رستموا - توحیدی	مطبوعات کمونیستی ایران در مهاجرت	۱۰۸
		حمید صفری	یک بررسی انتقادی از وضع کنونی اقتصاد ایران	۱۰۹
		ه. ا. فروزان	آشناگی آموزشی در ایران	۱۱۰
		عبدالصمد کامبخش	نظری به جنبش کارگری و کمونیستی در ایران (دو جلد)	۱۱۱
		مصطفی مفیدی	اندیشه‌هایی درباره برخی مسایل انقلاب ایران	۱۱۲
		رسول مهربان	بررسی مختصر احزاب بورژوازی ملی ایران در مقابله با جنبش کارگری...	۱۱۳
		رسول مهربان	گوشه‌هایی از تاریخ معاصر ایران	۱۱۴
		امیر نیک‌آیین	روستاهاى ایران در انتظار تحول	۱۱۵
کتاب‌های شعر، ادبیات و فرهنگ:				
		احسان طبری	فرهاد چهارم) داستان تاریخی)	۱۱۶
		حیدر مهرگان	حماسه خسرو گلسرخی	۱۱۷

		عزیز نسین	مگر تو مملکت شما خر نیس!	۱۱۸
		ماکسیم گورکی	مادر	۱۱۹
		احسان طبری	"تاریخ یک بیداری" (منظومه‌ای به یادبود شهید دکتر تقی ارانی)	۱۲۰
		محمود دولت آبادی	آوسنه بابا سبحان	۱۲۱
		حیدر مهرگان	دیدار با آرش) بحثی در دیالکتیک منظومه "آرش کمانگیر"	۱۲۲
		جان رید	ده روزی که دنیا را لرزاند	۱۲۳
		ف. م. جوانشیر	حماسه داد) بحثی در محتوای سیاسی شاهنامه فردوسی)	۱۲۴
		نیکلای چرنیشفسکی	چه باید کرد؟	۱۲۵
		م. ا. به‌آذین	کاوه) نمایش‌نامه در پنج پرده)	۱۲۶
		م. ا. به‌آذین	مهمان این آقایان	۱۲۷
		لئونید برژنف	زندگی دوباره	۱۲۸
		اردشیر آوانسیان	یادداشت‌های زندان	۱۲۹
		چنگیز آیتماف	روزی به درازای یک قرن	۱۳۰
		ر. اولیانفسکی	چهره‌هایی از جنبش راهایی بخش	۱۳۱
		زرتشت اعتمادزاده	از خواب تا بیداری	۱۳۲
		نیکلای آستروفسکی	چگونه فولاد آبدیده شد	۱۳۳
			نخستین کنگره نویسندگان ایران	۱۳۴
نایاب			فصل‌نامه شورای نویسندگان و هنرمندان ایران (شماره‌های مختلف)	۱۳۵
دوره‌های موجود از مطبوعات و نشریات توده‌ای:				
			شماره‌های مختلف مجله "دنیا"	۱۳۶
			شماره‌های مختلف مجله "مسایل بین‌المللی"	۱۳۷
نایاب			نشریه "نوید" دوره کامل	۱۳۸
			دوره‌های سالانه "نامه مردم" ارگان مرکزی حزب توده ایران	۱۳۹



کتابخانه «به سوی آینده» در نظر دارد بخش اعظم کتاب‌هایی مندرج در کتاب‌های راهنمای مطالعه موسوم به «چگونه مطالعه کنیم؟» از انتشارات سازمان جوانان حزب توده ایران و «با کدام کتابها آغاز کنیم؟» از انتشارات کانون دانش‌آموزان ایران را در دسترس علاقمندان قرار دهد. ما را یاری کنید!

کتابخانه‌های دیگر:



کتابخانه چاوشان نوزایی کبیر

<http://www.chawoshan.mihanblog.com>

شکست اثر الکساندر فادیف با ترجمه رفیق شهید رضا شلتوکی

چنگیز خان با ترجمه رفیق محمد پورهرمزان

پژوهش اثری از استاد امیرحسین آریان پور

انقلابیگری خرده بورژوازی اثری ارزنده از موريس لیبسون

انقلاب کبیر اکتبر اثری از زنده یاد محمد پورهرمزان

در آستانه رستاخیز اثری از استاد فقید امیر حسین آریان پور

در زندان و در آزادی اثر س. اوستنگل با مقدمه ناظم حکمت

اصول مقدماتی فلسفه با ترجمه رفیق فقید جهانگیر افکاری

هدف ادبیات نوشته ماکسیم گورکی

رمان همسایه ها شاهکار رفیق فقید احمد محمود

۱۰ روزی که دنیا را لرزاند اثر جان رید با ترجمه رحیم نامور و بهرام دانش

منشاء موسیقی اثری از استاد فقید امیرحسین آریان پور

امپریالیسم به مثابه ی بالاترین مرحله سرمایه داری

انقلاب پرولتری و کائوتسکی مرتد اثری از لنین با ترجمه محمد پورهرمزبان

لنینیسم و جنبش مترقی جوانان از سری انتشارات سازمان جوانان توده ی ایران

اثری از پلخانف با ترجمه درخشان رفیق فقید کیانوری

تاریخ توسعه طلبی آمریکا در ایران

واکنش به سوسیالیست ها - اثری از سام وب رهبر حزب کمونیست آمریکا

«مبارزه قهرمانانه، شکست تلخ» اثر بهمن آزاد

هجدهم برومر اثری از کارل مارکس با ترجمه رفیق شهید محمد پورهرمزبان

درس های پیکار منظومه ای از رفیق احسان طبری

صفحاتی از تاریخ جنبش جهانی کارگری و کمونیستی اثر رفیق شهید جوانشیر

تاریخ احزاب در ایران

انتقاد و انتقاد از خود

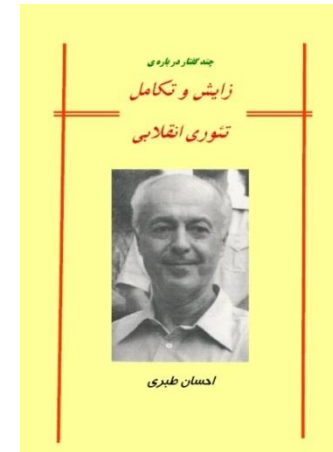
شمه ای در باره ی تاریخ جنبش کارگری ایران

در باره برخی از خصوصیات تکامل تاریخی مارکسیسم

تاریخ نگاری فلسفه

حزب توده ایران و دکتر مصدق

مبارزه طبقاتی



کتابخانه «انجمن دوستداران احسان طبري»

[/http://tabari.blogspot.com](http://tabari.blogspot.com)

آثار احسان طبری

• سطح امروزین فلسفه

• قصه ی شغال شاه

• جستار هایی از تاریخ

• در باره سمیوتیک

• پنجابه

• منتخب مقالات

• در باره منطق عمل

- سفر جادو
- گزیده مقالات
- با پچیچه های پاییز
- هورستیک
- درباره سبیرنتیک
- جامعه شناسی
- تاریخ یک بیداری
- گنومات
- شکنجه و امید
- دهه نخستین
- فرهاد چهارم
- داستان و داستان نگاری
- چهره یک انسان انقلابی
- از میان ریگها و الماسها
- درس های پیکار
- سیر تکوین ماده و شعور
- رانده ستم و چهره خانه
- نیروی سوم پایگاه اجتماعی امپریالیسم
- راهی از بیرون به دیار شب
- زایش و تکامل تئوری انقلابی
- مارکسیسم لنینیسم به زبان ساده (الفبای مبارزه)

- آموزش فلسفه علمی (بنیاد آموزش انقلابی)
- تئوری سیستمها و اصول دیالکتیک
- فروپاشی نظام سنتی و زایش سرمایه داری
- مسائلی از فرهنگ و هنر و زبان
- برخی اندیشه ها درباره دیالکتیک
- سیستم و برخورد سیستمی
- جامعه ایران در دوران رضا شاه
- برخی بررسی ها درباره جهان بینی ها و جنبش های اجتماعی در ایران

سخنرانی ها :

- دیالک تیک
- بابی سندز
- ناکجا آباد
- کافکا

برخی مقالات و اشعار احسان طبری:

- لیبرالیسم، دمکراتیسم و پیوند آن با موضع‌گیری ضدامپریالیستی
- تکامل ادب فارسی در دوران پس از اسلام
- طبقه و ساخت طبقاتی جامعه
- یاران، بهار تازه در راه است
- درد بر بردباری پی گیران (غزلواره)

جامعه آینده و جامعه بی آینده

بررسی مسایل نظری مربوط به انقلاب ایران

هنر پیمان سپرده ، فرهنگ پویا

هنر ، سیاست، تاریخ

آدمی جز پیکار در راه خوشبختی خود چاره ی دیگری ندارد!

سوگند دیگر

در باره ملت و مساله ملی

ساخت طبقاتی جامعه: برخی دقت‌ها و حاشیه‌ها

درباره ی ژانر «تعزیه»

مقوله های اقتصادی در ادبیات کلاسیک ایران

فرد انقلابی در زندگی عادی

درباره ی تروتسکیسم

چرا یکدیگر را در بحث آزاد و سالم تحمل نکنیم!

کودک اندر دیار سرمایه

چگونه بحث کنیم؟

محور مرکزی داوری درباره افراد و جمعیت‌ها

پیروزی خورشید

زندگی سیاسی و بی‌طرفی

لیبرالیسم، دمکراتیسم و پیوند آن با موضعگیری ضدامپریالیستی

زمان را گنج ها در آستین است

سخنی درباره ی شعر (فارسی)

شعری از پاتریس لومومبا نخست وزیر شهید کنگو

فرد انقلابی و خودآموزی و خود نقادی

دیالکتیک مبارزه سیاسی و موازین اخلاقی

مارکسیسیم و شناخت آینده

مهر و مهرگان

ولادیمیر ایلیچ لنین

مذهب و ملتگرایی

میهن پرستی

زنده باد جمهوری متکی بر اراده مردم!

رژیم و مذهب

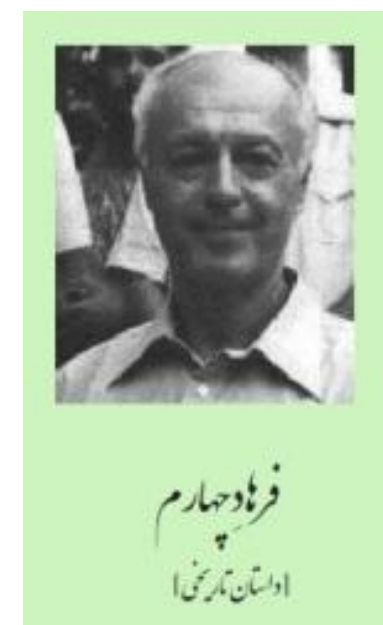
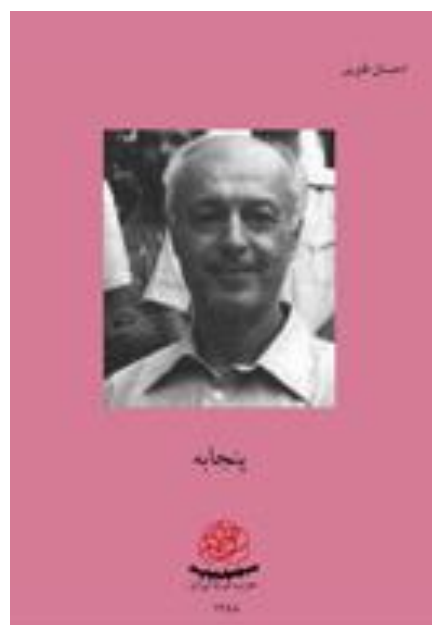
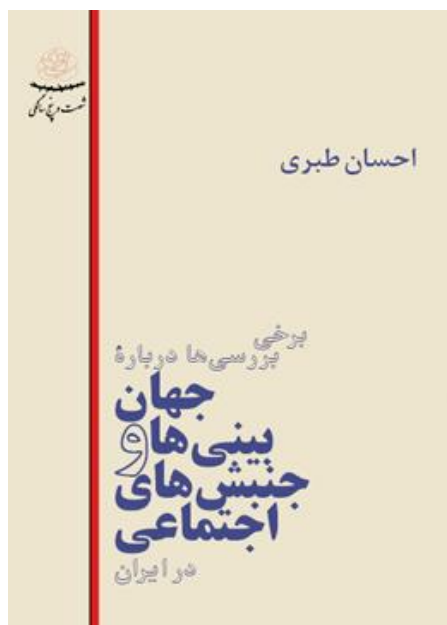
برای دریافت کتاب‌های زنده‌یاد رفیق احسان طبری به تارنگارهای زیر مراجعه کنید!

<http://www.tudehpartyiran.org>

۱- کتابخانه حزب توده ایران

<http://tabari.blogspot.com>

۲- انجمن دوستداران احسان طبری



از انتشارات حزب توده ایران

(... کار و دانش را به تفت زر بنشانیم ...)

انتشار این سری از کتاب‌های کتابخانه «به سوی آینده» به افتخار قرار گرفتن قریب‌الوقوع در آستانه‌ی هفتادمین سالگرد آغاز پیکار حزب طراز نوین توده‌ها: حزب توده ایران، در راه تحقق حقوق کارگران و زحمتکشان، در راه بهروزی میهن و استقرار آزادی، استقلال و عدالت اجتماعی، تقدیم علاقمندان می‌گردد.

کتابخانه «به سوی آینده»، (هوادار حزب توده ایران)

